

متن پرسش

سلام علیکم استاد اینکه شیخ محمد جواد انصاری در کتاب سوخته میگوید مرحوم ابهری مکاشفات اش صحیح است چون با نور اهل بیت حرکت میکند . از کجا میتوان فهمید یک شهود با نور اهل بیت است و شهود ولایی است و از کجا میشه فهمید که یک شهود ذوقی و کشف خود عارف است ؟ سوال دوم : آیا در شهود ولایی باز هم خطا وجود دارد یا خیر ؟ سوال سوم : هرکس میخواهد اسفار اربعه را طی کند حتما باید ملاصدرا و فصوص و فتوحات خوانده باشد یا خیر ؟ اگر جوابتان آری است (یعنی اینکه باید فلسفه عرفان خوانده باشیم) که خب در مورد شیخ محمد جواد انصاری نظرتان چیست که بدون خواندن فلسفه و عرفان چهار سفر را طی کرد و اگر جوابتان خیر است (یعنی اینکه برای طی کردن اسفار اربعه نیازی به خواندن عرفان و فلسفه نیست) باز باید بگویم پس چگونه بر کشف خود برهان اقامه کنیم ؟ و عوالم دیگر را چطور عقلانی مورد بررسی قرار دهیم که در مکاشفات شیطانی نیفتیم . عذر خواهم این سوال نقضی نبود چون در هر دو حالت اش ذهن من را اشغال کرده بود . سوال چهارم : یکی از سخنرانی های آقای وکیلی را گوش میکردم . چیزی استنباط کردم و آن اینکه به نظر میرسد مکتب عرفانی شیعی نجف از مرحوم قاضی به قبل یعنی ملاحسینقلی خان همدانی - سید احمد کربلایی طهرانی و مرحوم شوشتری وحدت وجودی بسیار غلیظ بودند اما زیاد اهل مباحث استدلالی و فلسفی نبودند . میخواستم بپرسم این استنباط من درست است یا خیر ؟ یعنی میتوان راه را بدون حکمت متعالیه و عرفان نظری پیمود ؟ سوال پنجم : شما بارها گفته اید مرحوم بهالدینی مشرب فلسفی نداشتند . ایشان را شما از اهل توحید به شمار میاورید یا اهل کرامت ؟ سوال ششم : مشرب میرزا جواد آقا ملکی تبریزی هم آن طوری که بو می آید باید شبیه به مشرب ملاحسینقلی همدانی باشد . حداقل من از رساله لقاالله ایشان این طور استنباط کردم . میشود در این خصوص هم کمی توضیح دهید . عذر خواهم سرتان را به درد آوردم. آخر فکر میکنم که بدون فلسفه و حکمت متعالیه نمیتوان راه را پیمود باتشکر

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱- وقتی سالک دائماً شهود خود را با نظر معصوم تطبیق دهد خطر انحراف به حداقل می رسد ولی اگر به صرف شهود خود اعتماد کند خطر انحراف زیاد است ۲- بعضاً سالک غیر معصوم در مصداق به خطا می رود ۳- اسفار اربعه سیری است از کثرت به سوی وحدت و با هرچه عمیق تر شدن در احکام الهی محقق می شود و اسفار ملاصدرا و یا فصوص محی الدین چیزی جز گزارش

سیر آن‌ها در رعایت احکام الهی نیست و لذا باید چیزهایی مثل اسفار ملامدرا و یا فتوحات را مبانی نظری این سیر دانست ولی هرکس باید خودش به نور شریعت راه بیفتد و ملاک صحت کشف، نظر به سیره و سخن معصوم باید باشد ۴- عرفان نظری و حکمت متعالیه حاصل تدبرات در وحدت وجود است ۵- مرحوم آیت الله بهاء الدین اهل توحید بودند و کراماتی که از ایشان ظهور می‌کرد به تبع بود نه این‌که ایشان اراده کرده باشند اهل کرامت باشند ۶- در مصاحبه‌ای که در رابطه با نخله‌ی نجف کرده‌ام و إن شاء الله روی سایت قرار می‌گیرد عرایضی داشته‌ام جواب خود را در آن مصاحبه خواهید یافت إن شاء الله. موفق باشید